

## دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۱۷، باستان‌شناسی و سلیمان

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۱۷ باستان‌شناسی و سلیمان است.

خب، حالا از سلطنت داوود به سلطنت پسرش، سلیمان، می‌رسیم.

یکی از یافته‌های اولیه که تقریباً به دوره سلیمان نسبت داده می‌شود، چیزی است که به عنوان تقویم گِزر شناخته می‌شود. این یک لوح بسیار کوچک از سنگ آهک بسیار نرم است که احتمالاً به عنوان یک تمرین مدرسه برای گفتن نوعی عبارت قافیه‌دار در مورد تاریخ و زمان برداشت، برداشت‌های مختلف، دوره‌های برداشت در فصل استفاده می‌شده است. و باور کنید یا نه، توسط مک‌آلستر در گِزر پیدا شد و هنوز هم یک قطعه مهم از شواهد کتیبه‌ای از زمان سلیمان است.

اینجا می‌بینید که چیزی شبیه به یک طرح اولیه‌ی باستانی بود، روشی که ما وقتی پسر بچه بودم استفاده می‌کردیم، این بود که یک کتیبه را خراش می‌دادید و اندازه‌اش را تعیین می‌کردید و سپس لوح را می‌تراشیدید و پاک می‌کردید و دوباره امتحان می‌کردید، زیرا می‌توانستید حروف قبلی کتیبه‌های قبلی را زیر آن ببینید. پالیمپست اصطلاح مناسب برای آن است. و این نمونه‌ای از یکی از آنهاست.

می‌خواهم برای لحظه‌ای باستان‌شناسی را اینجا کنار بگذارم و درباره دو تاریخ بزرگ عهد عتیق صحبت کنم. و اولین آنها تاریخ تثنیه بود، تاریخی که تاریخ را از کتاب یوشع، داوران، اول و دوم سموئیل و اول و دوم پادشاهان در بر می‌گیرد. حال، این یک اثر تاریخی است، یک اثر تاریخی بزرگ، اما مهمتر از همه، یک تاریخ الهیاتی نیز هست.

و بنابراین، وقتی متن کتاب مقدس مربوط به سلطنت را مطالعه می‌کنید، یک تاریخ گزیده به شما داده می‌شود. این یک تاریخ کامل، تاریخ کلی نیست. این تاریخی است که رابطه بین خدا و قوم اسرائیل را مرتبط می‌کند.

این نکته را باید هنگام مطالعه این رویدادهای مهم، رویدادهای ژئوپلیتیکی، که ممکن است ذکر شوند یا نشوند، یا ممکن است به طور گذرا ذکر شوند در حالی که در واقع بسیار بسیار مهم هستند، درک کرد. چرا؟ زیرا آنها لزوماً تأثیر زیادی بر تاریخ الهیات مردم ندارند. حال، کتاب پادشاهان در طول تبعید نوشته و توزیع شد.

و بنی اسرائیل که در بابل در تبعید بودند، سولاتی می‌پرسیدند. چرا ما اینجا هستیم؟ در جهان چه اتفاقی افتاده است؟ و بنابراین، کتاب پادشاهان برای پاسخ به این سوال نوشته شده است. این تاریخ شماس است.

این کاری است که تو کردی. این کاری است که تو برای نافرمانی از خداوند انجام دادی. و این چیزی است که اتفاق افتاد.

حال، کتاب پادشاهان از منابعی استفاده می‌کند. و این منابع، مانند هر منبع تاریخی خوب دیگری، در متن ذکر شده‌اند. و اینها وقایع‌نگاری پادشاهان اسرائیل و یهودا هستند.

اینها وقایع نگاری‌های سلطنتی هستند. و متأسفانه، آنها گم شده‌اند. حال، این سؤال مطرح است که آیا آنها هنگام تخریب معبد و اورشلیم گم شدند، یا بعداً در طول تاریخ از بین رفتند.

به نظر می‌رسد یوسفوس در نگارش کتاب «آثار باستانی یهودیان» به جای این وقایع نگاری‌های پادشاهان اسرائیل و یهودا، از متن کتاب مقدس استفاده می‌کند. او منابع دیگری دارد که به وضوح در نگارش تاریخ او نشان داده می‌شوند، اما اینکه آیا این منابع را داشته یا نه، کاملاً جای تردید دارد. برای هر پادشاه یک فرمول سلطنتی وجود دارد.

معمولاً به معنای شرح مختصری از یک سلطنت، نام مادرش، ارزیابی الهیاتی و جزئیات مرگ و تدفین است. هر چیز دیگری، باز هم، به دلایل عمدتاً الهیاتی نوشته و گنجانده شده است. حال، الهیات پادشاهان، و یک الهیات پادشاهان وجود دارد، چیزی است که ما آن را عذاب تجمعی می‌نامیم.

یعنی، گناهان اجداد جمع می‌شوند و همچنان افزایش می‌یابند تا زمانی که گاه کمر شتر را بشکنند، و سپس داوری برای فرزندان آنها فرا می‌رسد، نه لزوماً برای خودشان. به عنوان مثال، در زمان سلطنت منسی، تاس انداخته می‌شد.

اورشلیم و یهودا سقوط می‌کردند. اما منسی زنده ماند تا این را ببیند. این اتفاق حدود یک قرن پس از مرگ او رخ داد.

خب، رسیدیم به دوران سلطنت سلیمان. این عکس زیبایی از اورشلیم در زمان سلیمان است. می‌توانید ببینید که زیارتگاه اسلامی به نام قبه الصخره بر کوه معبد مسلط است.

اما در زیر آن گنبد شواهدی به شکل کنده‌کاری‌های روی سنگ و کنده‌کاری‌های پایه وجود دارد که شواهدی از معبد سلیمان را نشان می‌دهد. خب، سلیمان اولین کسی نبود که پس از مرگ داوود تاجگذاری کرد. برادرش ادونیا توسط گروهی از مردم در جنوب اورشلیم در مکانی به نام عین روجل تاجگذاری شد، که چشمه ای بود که بعداً خشک شد، احتمالاً پس از زلزله در زمان سلطنت عزیا.

و بنابراین ادونیا به همراه پیروانش در اینجا، نزدیک‌تر به اورشلیم، تاجگذاری کردند. این، باز هم، یک تپه معبد است، تصویری بسیار قدیمی، احتمالاً از قرن نوزدهم، در چشمه جیحون، منبع آب اورشلیم. و سپس تلاش کوتاه ادونیا برای سلطنت شکست خورد.

ما در اسلاید قبلی در مورد نبی سموئیل صحبت کردیم، و این دوباره همان مکان مرتفع جبعون است که سلیمان در آنجا برای حکمت دعا کرد. و آن را می‌توان در فاصله بسیار بسیار دوری از شمال، در خط افق شمالی، در شمال اورشلیم، دید. بسیار خب، بیایید در این زمان به خود اورشلیم نگاه کنیم.

قبلاً اشاره کردیم که اورشلیم تاریخ بسیار طولانی دارد که به عصر مس-سنگی برمی‌گردد. اما بیایید اول از همه به توپوگرافی شهر نگاهی بیندازیم. اورشلیم شهری از تپه‌ها و دره‌ها است.

مزمورنویس به ما می‌گوید که خداوند قوم خود را مانند کوه‌ها محافظت می‌کند و قوم خود را مانند کوه‌های اطراف اورشلیم احاطه کرده است. بنابراین، اورشلیم در بالای تپه قرار دارد. کوهستانی است.

حدود ۲۵۰۰ فوت ارتفاع دارد، اما از همه طرف با تپه‌های بلندتر احاطه شده است. در شرق اورشلیم، باز هم، متأسفانه خارج از این تصویر، کوه زیتون قرار دارد که یک خط الراس طولانی است که به یک بریدگی

ختم می‌شود و سپس به سمت جنوب به عنوان تپه جرم امتداد می‌یابد. و سپس، در جنوب اورشلیم چیزی است که ما آن را تپه مشاوره شیطانی می‌شناسیم.

این مکان به طور سنتی مکانی بود که سنهدرین برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت عیسی مسیح در آن تشکیل جلسه می‌داد. مطمئن نیستم که آیا این مکان همان مکان بوده یا نه، اما به این نام معروف است. در اینجا در شرق، دوباره خارج از تصویر، مسیر خط الراس، خط الراس حوضه آبخیزی که مسیر پاتریارک‌ها در امتداد آن قرار دارد، قرار دارد.

و این ارتفاع بیشتری دارد. این با خیابان مدرن کینگ جورج و کارن هائیسوت در غرب اورشلیم برابر است. زمین همچنین بالا می‌رود، بالا می‌رود و به سمت شمال شهر بالا می‌رود.

باز هم، اورشلیم، به اصطلاح، در یک کاسه قرار دارد و از هر طرف با تپه‌های بلندتر احاطه شده است. حال بین آن تپه‌ها و اورشلیم دره‌هایی وجود دارد. اولین دره‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم، وادی الجوز یا دره قدرون است که از اینجا، درست روبروی شهر قدیمی امروزی، شروع می‌شود و قبل از پایین آمدن و پیوستن به دو دره دیگر، بسیار عمیق می‌شود.

و آن دره‌ها ابتدا دره مرکزی هستند که از اینجا شروع می‌شوند و به پایین می‌روند و به دره قدرون می‌پیوندند. و سپس در غرب، دره هینوم قرار دارد که از سمت غرب شهر نزدیک دروازه یافا شروع می‌شود و به پایین می‌آید و به سمت جنوب و سپس به شرق می‌پیچد و به دره قدرون و دره عرضی یا بهتر است بگوییم دره مرکزی می‌پیوندد و سپس به پایین می‌رود و در نهایت به دریای مرده می‌ریزد. دره‌های دیگری نیز وجود دارند.

اینجا دره عرضی است که در دوران عهد عتیق و همچنین اوایل عهد جدید به عنوان خط دفاعی اورشلیم مورد استفاده قرار می‌گرفت. حاکمان اولیه حشموئائی در آنجا دیواری ساختند. خوب، خود شهر، اول از همه، تپه شرقی را دارد.

و این قدیمی‌ترین بخش اورشلیم است که مسکونی بوده است. باز هم، به دوره مس‌سنگی برمی‌گردیم، قدیمی‌ترین خانه‌هایی که پیدا کردیم به زمان ابراهیم یا اوایل عصر برنز مربوط می‌شوند. در عصر برنز میانی، مطمئناً مستحکم بوده و استحکامات در بیشتر تاریخ آن ادامه داشته است.

در شمال آن کوه موری یا کوه صهیون قرار دارد. این منطقه مقدس یا محل معبد است. در ابتدا، داوود خیمه اجتماع یا خیمه را در آنجا قرار داد و سپس سلیمان معبد را ساخت که به عنوان محل معبد هم در زمان سلیمان، زروبابل، بازسازی هیرودیس و هم تا زمان تخریب نهایی در سال ۷۰ میلادی مورد استفاده قرار گرفت.

و در نهایت، تپه غربی را داریم که در واقع بلندترین نقطه در اورشلیم باستان است، تپه غربی. به توپوگرافی مسطح اینجا توجه کنید. بسیاری از کاوشگران اولیه به اورشلیم نگاه کردند و فرض کردند که قدیمی‌ترین بخش اورشلیم اینجا بوده، نه اینجا.

بنابراین، این به جای کوه صهیون واقعی که همان کوه موری است، به کوه صهیون معروف شد. با این حال تحقیقات بعدی و مداوم این موضوع را روشن و اصلاح کرد. اکنون، خط دیواری که اینجا روی این نقشه می‌بینید به سال ۱۵۱۷ برمی‌گردد.

این دیوارهای اصلی عثمانی است. وقتی ترک‌های عثمانی وارد شدند و این منطقه را فتح کردند، دیوارهای اورشلیم را بازسازی کردند و آن دیوارها امروز، ۴۰۰ سال بعد، باقی مانده‌اند. با این حال، عثمانی‌ها نتوانستند قسمت جنوبی تپه غربی و تپه شرقی، قدیمی‌ترین بخش اورشلیم، را در داخل شهر محصور خود بگنجانند.

ظاهراً اولین حاکم عثمانی، سلیمان باشکوه، از این بابت بسیار عصبانی بود و آن معماران ظاهراً با جان خود تاوان اشتباه خود را پرداختند. آنچه در امتداد این دیوار ترکی باستانی است، سکوی معبد است که دوباره بر روی سکوی هرودی ساخته شده است، نوعی سکوی دوزنقه‌ای شکل که معبد سلیمان و بعداً معبد، معبد دوم، زروبابل و هرود، در آن ساخته شدند. بنابراین، برخی از این دیوار، به عنوان مثال، این خط غربی در اینجا، تپه معبد و تکه‌هایی از اینجا، به دوره کتاب مقدس مربوط می‌شود.

نه لزوماً تمام عهد عتیق، اما بخشی از آن به عهد جدید مربوط می‌شود. حالا به نقاشی دیگری می‌رسیم که اورشلیم در عهد عتیق به این شکل بوده است. ما قبلاً بازسازی هنری اورشلیم را در زمان داوود و سلیمان دیده‌ایم.

این شهر داوود است. این هسته باستانی اورشلیم است، تپه شرقی اینجا و سپس وقتی سلیمان پادشاه شد، او، افل، میلو و سپس کوه معبد یا کوه موری را در آن گنجانند، و دیگر از سکوی هیرودیان بعدی استفاده نکرد، بلکه فقط دیواری دور قله کوه ساخت.

به گمان من، پادشاهان بعدی یهودا، در اوایل قرن هشتم میلادی، در زمان یهوآش و شاید حتی قبل از آن اورشلیم را گسترش دادند تا تپه غربی را نیز شامل شود. بنابراین، اورشلیم، در زمان پادشاهان بعدی یهودا، در امتداد لبه جنوبی دره عرضی اطراف دروازه یافای امروزی، به اینجا آمد و تپه غربی را در اینجا، از جمله حوض سیلوم و متصل به دیوار شهر داوود، در بر گرفت. بنابراین، این همان چیزی است که اورشلیم از زمان، مثلاً اشعیا نبی تا زمان ارمیا نبی و سقوط شهر در سال ۵۸۶ قبل از میلاد به خود دیده است.

باز هم، در اینجا چند عکس از اورشلیم در دوره عهد عتیق آورده شده است. این اورشلیمی است که در زمان سلیمان ظاهر شد. توجه داشته باشید که استخر سیلوحا در خارج از شهر قرار دارد.

این ممکن است درست باشد یا نباشد، اما آنها همچنین در اینجا امتدادی برای محافظت از چشمه جیحون با یک یا چند برج دفاعی دارند که از آن منبع آب اورشلیم محافظت می‌کنند. اینجا شهر داوود است. کاخ داوود اینجا دیوار را می‌بینید و سپس دیوار احاطه شده بر فراز کوه موری.

توپوگرافی اینجا کاملاً دقیق است، در واقع کاملاً دقیق به تصویر کشیده شده است، هرچند ممکن است اینجا دقیق باشد یا نباشد. تصویری از معبد سلیمان، که چند لحظه دیگر آن را باز خواهیم کرد. دوباره، این برج و استخر، برج و استخر فرادیواری که از چشمه جیحون محافظت می‌کرد.

دیوار آنجا به طرز خیلی ناشیانه‌ای برآمده است، اما ظاهراً این کاری است که کنعانی‌ها انجام داده‌اند. حالا برخی از محققان استدلال می‌کنند که همه اینها در عصر آهن اتفاق افتاده است. بنابراین این موضوع مورد بحث است.

با این حال، کاوشگر قدمت آن را به عصر برنز میانی، عصر پدران متأخر، نسبت می‌دهد. این دروازه آب است که در اینجا قرار دارد. این یکی از ورودی‌های محله سلطنتی اورشلیم بود.

این مکان در ابتدا توسط چارلز وارن در قرن نوزدهم کشف یا یافته شد، اما بعدها توسط چندین نفر، به ویژه ایلات مزار، حفاری شد. و او دروازه‌ای سلطنتی به او فل، مکانی بین کوه صهیون و شهر داوود، پیدا کرد. و این احتمالاً در زمان سلطنت عزیا ساخته یا مستحکم شده است.

این بخشی از دیواری است که دور تا دور معبدی که ایلات مزار کشف کرد، امتداد داشت. شما در حال تماشای سنگ‌هایی هستید که توسط سنگ‌تراشان، احتمالاً سنگ‌تراشان فنیقی، در دوران سلطنت سلیمان، در آنجا قرار داده شده بودند. این قطعه‌ای از دیوار دوران سلیمان است که باقی مانده است.

واقعاً باورنکردنی است. سلیمان باغ‌های سلطنتی داشت و آن باغ‌های سلطنتی در تراس‌های قدرون قرار داشتند. این یک تصویر مدرن از دره قدرون است.

اینجا شهر داوود است، دامنه شرقی شهر داوود. اینجا حومه عرب‌نشین سیلوان، سیلوه باستانی در کتاب مقدس، و تپه جرم در بالا است. اینجا تپه شورا شری است، خط الراس جنوبی رو به شهر اورشلیم.

اما در دامنه‌های این دو، هر دوی این دامنه‌ها بر فراز دره قدرون، تراس‌هایی وجود داشت. و ما معتقدیم که این بخشی از دره پادشاه بود که باز هم توسط چشمه جیحون، احتمالاً در جنوب‌تر، نه کاملاً در شمال آبیاری می‌شد. این ایده‌ای بوده که شاید سلیمان در کوهلت توضیح می‌دهد، جایی که در مورد ساخت باغ‌ها و پارک‌ها صحبت می‌کند و احتمالاً به این موارد اشاره کرده است.

و هر زمان که پادشاهی باغ یا پارک یا باغ‌های تراسی زیبایی مانند سلیمان می‌ساخت، باز هم تلاشی برای بازآفرینی یا تصرف بهشت گمشده، یعنی باغ عدن، بود. و شما قبلاً دوباره این ملاقات را بین ابراهیم و ملکیصدق در وادی شاول، دره‌ی بت هکارم، دره‌ی پادشاه، احتمالاً در همین نزدیکی، داشته‌اید. بنابراین، این اهمیت ویژه‌ای دارد، حتی اگر امروز بسیار پرجمعیت و بازسازی شده باشد.

در دوران باستان، این احتمالاً یک منطقه مقدس بود. سلیمان امپراتوری داوود را ادامه داد، اگرچه فشارها افزایش یافت و ضعف‌هایی توسط پادشاهی‌های اطراف مشاهده شد و قلمرو سلیمان پس از مرگ او به سرعت از هم پاشید. اما هنوز هم یک امپراتوری بسیار قدرتمند بود، عمدتاً نه از طریق جنگ مانند زمان داوود، بلکه به دلیل رونق اقتصادی در زمان سلیمان.

کنترل مسیرهای تجاری و تجارت با سایر پادشاهی‌ها ثروت زیادی را به همراه داشت. ما قبلاً در مورد مناطق اداری سلیمان صحبت کردیم و این مناطق تقریباً معادل قلمروهای قبیله‌ای بودند. ۱۲ منطقه و البته ۱۲ قبیله وجود داشت.

با این حال، تفاوت‌هایی وجود داشت و این تفاوت‌ها نیز به نوبت مطرح شدند. این مناطق به تأمین مالی بوروکراسی عظیم سلیمان در طول سلطنتش کمک می‌کردند و به دلیل مالیات سنگین و انبوهی که اوود در طول سلطنتش به رعایای سلیمان می‌داد، مورد شکایت و مخالفت برخی قرار گرفتند. سنگ‌تراشی سنگ‌های مربع یا مستطیل بسیار ظریف تراشیده شده که در دیوارهایی به سبک سر تخت قرار می‌گیرند.

می‌توانید اینجا از سامره، از مجدو، و اینجا از حشبون، دوباره، ببینید که از ویژگی‌های سلطنت سلیمان هستند. این، باز هم، گامی رو به جلو در معماری است که در آن نه تنها سنگ‌های صحرایی یا سنگ‌های صحرایی تقریباً تراشیده و تراشیده شده، بلکه سنگ‌تراشی‌های بسیار زیبایی دارید که محکم در کنار هم قرار گرفته‌اند تا دیوارهایی برای محوطه‌های سلطنتی و شهرهای سلطنتی بسازند. سلیمان همسران زیادی داشت، عمدتاً در نتیجه معاهدات با ملل دیگر و پادشاهی‌های دیگر، و یکی از اینها، البته، دختر فرعون، همسر اول او بود. و این یک مقبره است، یک مقبره یادبود در سیلوان که از دوره سلطنت باقی مانده است، باور کنید یا نه

و از سنگ بستر تراشیده شده بود و در ابتدا یک هرم در بالای آن وجود داشت که برای سنگ تراشیده شده بود و ورودی این مقبره در دوران باستان، شاید زمانی که یک راهب در آنجا زندگی می‌کرد، بزرگ شده بود، اما قرنیز اینجا و این واقعیت که فقط شواهدی از آغاز هرم وجود داشت، به آن تأثیر معماری از نوع مصری می‌دهد. از این رو به آن مقبره دختر فرعون می‌گویند.

تنها یک و نیم حرف از یک کتیبه در یک طرف در باقی مانده است. متأسفانه، ما نمی‌توانیم چیزی از آن بفهمیم، اما زمانی نام متوفی بر روی در حک شده و سپس بریده شده است. صحبت از همسر سلیمان شد دختر شولمی که در غزل غزل‌ها از او یاد شده است، احتمالاً اهل همین روستا در دامنه تپه موره در دره هارود بوده است، و نظریه‌هایی وجود دارد که شاید او با دختر مصری فرعون در بیت شان ملاقات کرده باشد، که هنوز در آن زمان نفوذ مصر در آنجا وجود داشته است، و شاید این دو به این ترتیب با هم آشنا شده‌اند.

این فقط حدس و گمان است. چیزی که ما از دوره سلیمان می‌دانیم این است که شکوفایی و پیشرفت بزرگی در فرهنگ وجود داشته است. باز هم، سفالگری اسرائیلی قدیمی‌تر از دوره داوران، دوره سلطنت اولیه، بسیار ساده و ابتدایی بود، اما در زمان سلیمان سفال‌های قرمز براق و بسیار زیباتری می‌بینید.

اینها در واقع در پروژه‌های غربال مرطوب کوه معبد که توسط استاد سابق من، گابی بارکای، انجام می‌شد، پیدا شدند. مقامات مذهبی مسلمان به طور غیرقانونی خاک را از کوه معبد خارج می‌کردند و آن را هنگام ساخت یک مسجد زیرزمینی درست در کوه معبد حمل می‌کردند. گابی و شاگردانش آن خاک را بازیابی کرده و به مکان دیگری آورده و با کمک صدها داوطلب آن را غربال کردند و مصنوعات از کوه معبد پیدا کردند که قبلاً برای کاوش در دسترس نبوده است. بنابراین، اینها خارج از محل هستند، اما می‌توان آنها را به دلیل آنچه هستند به دلیل سبک و ماهیتشان، قدمت‌گذاری کرد و اینها به وضوح سفال‌های قرمز صیقل داده شده با دست از زمان سلیمان هستند. شاید بتوان استراکون که اخیراً کشف شده است، که آن هم از دوران سلطنت سلیمان است، را به عنوان شراب ارزان قیمت در نظر گرفت.

این از یک کوزه‌ی انبار بود، که شبیه یک کوزه‌ی انبار بدون لبه است، که احتمالاً برای سربازان سلیمان یا یکی از مدیران او صادر شده است. حال، اول پادشاهان، فصل‌های ۶-۸، اطلاعات بسیار بسیار دقیقی در مورد چگونگی ساخت معبد توسط سلیمان ارائه می‌دهد. داوود می‌خواست معبد را بسازد، اما خدا گفت، نه، بگذار این کار توسط پسر انجام شود، و این سلیمان بود که این معبد مجلل را ساخت تا صندوق عهد و میثاق و اشیاء معبد یا اشیاء خیمه را در یک خانه دائمی مناسب قرار دهد.

در کتاب پادشاهان اول، اندازه‌ها و توصیفات از معبد ارائه شده است، اما نه، هیچ‌کدام از آنها امروز وجود ندارند، و ما می‌دانیم که امروزه وجود دارند. بنابراین، ما باید به دنبال شباهت‌ها باشیم. و در اینجا یکی از بازسازی‌های یک هنرمند از ظاهر معبد آمده است.

دو ستون دارید، مطمئن نیستیم که آیا آنها متصل بوده‌اند یا مستقل، و سپس هیکل، تالار، و در نهایت دبیر، مقدس‌ترین مقدسین، و میلمان معبد، و همچنین انبارهای کمکی و محل اقامت کاهنان، محراب بخور، حوض و غیره را دارید. حتماً ساختمان زیبایی بوده است، اما باز هم بستگی به ... دارد، جزئیات منوط به تفسیر هستند. بنابراین، باستان‌شناسان، در جستجوی شباهت‌ها، چندین مورد را پیدا کرده‌اند، همه بعداً کمی بعد، یک قرن یا بیشتر بعد، اما نزدیکترین شباهت در دهه ۱۹۸۰ در مکانی در شمال سوریه به نام عین دارا پیدا و کاوش شد.

این یک معبد عظیم، یک معبد بت‌پرستان است، اما شباهت‌های تقریباً باورنکردنی با معبد سلیمان داشت و ما به برخی از این شباهت‌ها نگاهی خواهیم انداخت. اول از همه، نقشه کف آن از همان نوع بود، دو ستون یک پیش‌تالار، یک سالن و یک قدس‌الاقداس. همچنین اتاق‌های کمکی در اطراف آن وجود داشت، و معبد

سلیمان نیز همینطور بود، اما از بسیاری جهات بسیار بسیار شبیه به هم بودند، و ما دوباره برخی از این شباهت‌ها را خواهیم دید.

این یک مجسمه ابوالهول یا کروی در عین دارا است. باز هم، کروی‌بان از صندوق عهد محافظت می‌کردند بنابراین از همان نقش و نگار استفاده شده است. به طرز عجیبی، ردپاهای بزرگی در پایه یا در ورودی معبد عین دارا وجود دارد، یک، دو ردپا اینجا، یکی اینجا، و سپس یکی روی، روی، روی سکو در پس‌زمینه، و ظاهراً این جای پای این خدایی است که این معبد برای ورود به معبد است.

و بنابراین، شما این ایده را در معبد سلیمان دارید، اینجا محل سکونت یهوه است، و بنابراین یهوه درست، مانند این ردپاهای بزرگ این خدای بت‌پرست در عین دارا وارد می‌شد. کلمات و اصطلاحات عبری زیادی اصطلاحات معماری، برای معبد سلیمان استفاده می‌شد که محققان دقیقاً مطمئن نبودند چگونه ترجمه کنند. یکی شبکه بود، و به این شبکه سنگی حکاکی شده در معبد عین دارا نگاه کنید، و این چرخش‌ها در اینجا احتمالاً بسیار شبیه به آنچه در معبد سلیمان بود، و این دوباره برخی از قرائت‌های آن متن را تأیید می‌کند که شبکه کلمه مناسبی برای استفاده بوده است.

حالا، به غیر از عین دارا، نمونه‌هایی در محوطه ترکی تل طینات وجود دارد، و اینجا کاخ پادشاه، کاخ بیت هیلانی، است که از طریق یک ورودی، یک ورودی ستون‌دار، وارد می‌شوید و سپس به سمت تخت می‌روید شما همیشه مستقیم وارد نمی‌شوید، و تخت در پشت است؛ شما همیشه می‌چرخید و رو به تخت در اتاق، تخت می‌ایستید. در مجاورت آن کاخ، یک معبد سلطنتی کوچک بود، بسیار نزدیک، دوباره، مانند عین دارا، که در نقشه طبقه بسیار نزدیک به معبد سلیمان است.

حالا، ما از وسعت دیوارهای اطراف کوه موریاطلاعی نداریم. این سنگ بستر است که می‌تواند مشخص کند، زیر سکوی ورودی که اینجاست چه شکلی است، اما سکوی سلیمان ممکن است اینجا کوچکتر بوده باشد شاید یک سکوی مربع یا شاید یک سکوی گرد. باز هم، این چیزی است که ویلسون و وارن در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ کشف کردند، در حالی که شما هنوز می‌توانستید زیر کوه معبد را کاوش کنید ۱۸۶۰.

البته، اکنون این ممنوع است. لین ریتمایر، که یک مؤمن و نویسنده چندین کتاب منتشر شده است، نزدیک به ۵۰ سال است که کوه معبد را مطالعه می‌کند و در تعیین دقیق محل معبد سلیمان و در نتیجه معبد زروبابل و هیروودیس در کوه معبد کار فوق‌العاده‌ای انجام داده است. اگر به اطلس‌ها و تاریخ‌های اولیه اورشلیم نگاه کنید، معبد سلیمان را در هر مکان قابل‌تصور در کوه معبد می‌بینید، با نظریه‌ها و موقعیت‌های مختلف.

اما من معتقدم که لین ریتمایر با تحقیقات خود، که از سنگ بستر نمایان در حرم مسلمانان قبه الصخره استفاده می‌کند، این مشکل را به روشنی حل کرده است. من در سال ۱۹۸۵ توانستم وارد قبه الصخره شوم و این سنگ بستر نمایان را که ظاهراً اسب محمد از روی آن پریده است، ببینم. اما اکنون، مگر اینکه مسلمان باشید، نمی‌توانید وارد حرم مسلمانان در قبه الصخره شوید.

ممنوع است. اما ریتمایر توانست این کار را زودتر انجام دهد، زمانی که من توانستم این نمای سنگ بستر را مطالعه کنم. او مسیرهای پی را تشخیص داده است، و پی، سنگ بستر را برای دو دیوار از دیوارهای قدس الاقداس برش می‌دهد.

و علاوه بر این، او در واقع یک فرورفتگی مستطیلی شکل، دقیقاً به ابعاد صندوق عهد، دقیقاً جایی که در مرکز قدس الاقداس قرار می‌گیرد، شناسایی کرده است. بنابراین، این سنگ بستر، سنگ بستر نمایان در اینجا، از هر نظر، به وضوح محل واقعی قدس الاقداس معبد سلیمان و پادشاهان بعدی است. اکنون، در بسیاری از

نشریات، نشریات محبوب، مکان‌های جایگزین دیگری برای معبد در جنوب و سراسر آن کوه معبد و حتی خارج از آن خواهید دید.

اما اگر روشی را که لین ریتمایر در کتابش، «جستجو»، انجام داده است مطالعه کنید، می‌بینید که این کتاب برداشت فوق‌العاده‌ای از یافته‌های او با بررسی تمام منابع تاریخی، یوسفوس، منابع خاخامی و آثار باستان‌شناسی است. او معمار یکی از حفاری‌های جنوب کوه معبد بود. او کار خود را انجام داده است و به نظر من، این بی‌چون و چرا درست است.

خب، اینجا خیلی خیلی هیجان‌انگیزه. حالا، جالب اینجاست که زیر این سنگ بستر، در گنبد صخره، غاری به نام چاه ارواح وجود دارد. اینجا به بریدگی تو سقف اون غار هست.

آن غار آنجا چه می‌کند و چگونه قدمت آن را تعیین می‌کنیم؟ برای چه بوده است؟ خب، ریوکا گونن در سال Biblical Archaeology Review یعنی ۴۰ سال پیش، مقاله‌ای بسیار بسیار تحریک‌آمیز در مجله، ۱۹۸۳ نوشت و استدلال کرد که این یک مقبره مربوط به عصر برنز است، احتمالاً متعلق به یک خانواده برجسته یبوسی، اهل اورشلیم در دوره‌های بعدی پدران مقدس. و این بحث‌برانگیز است زیرا این مقدس‌ترین مکان در یهودیت و یکی از سه مکان مقدس در اسلام است، و شما یک مقبره در سنگ بستر زیر مقدس‌ترین مکان دارید، که البته بسیار ناهنجار و اشتباه است. اما، باز هم، او یک نظریه بسیار جالب ارائه می‌دهد.

اما بر فراز تپه‌ای است. قطعاً خرمنگاه بوده است. هارون یبوسی آن را به داوود داده بود، یا داوود آن را از او خریده بود.

بنابراین، ممکن است مقبره‌هایی نیز در آنجا وجود داشته باشد. این سوالی است که فعلاً باید پی‌پاسخ بماند. در زیر تپه معبد، مخازن بزرگی وجود دارد که برای ذخیره آب و شستشو کننده کاری شده‌اند.

پیشروی مداوم حیوانات برای قربانی در معبد به مقدار زیادی آب نیاز داشت، و بنابراین این مجسمه‌ها برای نگهداری آب به این منظور تراشیده شدند. اکنون، بسیاری از مطالعات باستان‌شناسی مربوط به سلیمان جدا از اورشلیم، بر اساس این متن در اول پادشاهان ۹ است، زیرا این متن فعالیت‌های سلیمان، فعالیت‌های ساختمانی را توصیف می‌کند. و اینها، باز هم، نشانه‌هایی یا شواهدی از مکان‌هایی را ارائه می‌دهند که باستان‌شناسان می‌توانند بررسی کنند و ببینند که آیا می‌توانند شواهدی از این عملیات ساختمانی انجام شده توسط سلیمان پیدا کنند یا خیر.

بنابراین، بیایید ببینیم آنها چه می‌گویند، اینجا چه می‌گوید. در پایان ۲۰ سالی که سلیمان این دو بنا، معبد خداوند و کاخ سلطنتی را ساخت، پادشاه سلیمان ۲۰ شهر در جلیل را به حیرام، پادشاه صور، بخشید، زیرا حیرام تمام سرو، ارس و طلاپی را که او می‌خواست، برایش فراهم کرده بود. و البته، این مربوط به سرزمین کابل است که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم و در ادامه چند اسلاید در رابطه با آن خواهیم دید.

خب، و بعد در مورد کار اجباری که سلیمان برای ساخت معبد، کاخ خودش، تراس‌ها، دوباره، شادموت کیدرون، دیوارهای اورشلیم، و حصور، مجدو و جازر استفاده کرد صحبت می‌کند. بعد اینجا یک جور پاورقی وجود دارد. فرعون، پادشاه مصر، به جازر حمله کرد و آن را تصرف کرد، آن را به آتش کشید، ساکنان کنعانی آن را کشت، و سپس آن را به عنوان هدیه عروسی به دخترش، همسر سلیمان، داد.

و سلیمان جازر را بازسازی کرد. حال، این تقریباً اثبات وجود باستان‌شناسی است، زیرا شما باید بتوانید به این مکان‌ها بروید و ساختمان‌هایی را در حال ساخت پیدا کنید که مشابه و مربوط به زمان سلیمان هستند. و جازر، باز هم، انگیزه مضاعفی دارد که در زمان سلطنت سلیمان ویران و سپس بلافاصله بازسازی شود.

او همچنین بیت حورون سفلی را ساخت، شهری در دره آیلون که به سمت تپه‌های بالا می‌رود، و همچنین شهر بعلت و تدمر در بیابان تدمر ممکن است همان تمار باشد، و آن می‌تواند در جنوب، جنوب دریای مرده در عروه باشد. در سرزمین خود، و همچنین تمام شهرهای انبار و شهرهای ارابه‌ها و اسب‌هایش، هر آنچه را که می‌خواست در اورشلیم، لبنان و در سراسر قلمرو خود بسازد، او حکومت می‌کرد.

بسیار خوب. در نهایت، در پایین، ما شاه سلیمان را داریم که در اتریون جابر، که نزدیک ایلات در ادوم، در ساحل دریای سرخ، خلیج ایلات، خلیج عقبه است، کشتی‌هایی ساخت. و حیرام مردان خود، ملوانانی که دریا را می‌شناختند، را فرستاد تا در ناوگان با مردان سلیمان خدمت کنند.

آنها به اوفیر سفر دریایی کردند و ۴۲۰ سکه طلا با خود آوردند که آن را به سلیمان پادشاه تحویل دادند. بنابراین، سفرهای دریایی خارجی زیادی به بنادر عجیب و غریب برای بدست آوردن کالاها و گنجینه‌های عجیب و غریب یا گنج‌ها انجام شد. بنابراین، اطلاعات بسیار بسیار زیادی در اینجا وجود دارد که، باز هم باید بتوان آنها را با باستان‌شناسی تأیید کرد.

خب، هر دو محوطه‌ی جازر و حاصور کاوش شده‌اند. باز هم، حاصور توسط اسرائیلی‌ها، همانطور که می‌دانیم، تحت نظر یادین، و بعداً، اخیراً، توسط بن-تور و شاگردانش. و آنها در نیمه‌ی راه شهر بالایی، که به شکل یک بطری خم‌شده‌ی کوکائین است، در ضلع ۲۰ هکتاری شهر بالایی، یک دروازه‌ی شش اتاقه با برج‌های دروازه در بیرون پیدا کرده‌اند.

همچنین دروازه‌ای در گزر یافت شد و به همین نام شناخته شد، که بخشی از آن توسط مک‌آلیستر و بخشی دیگر توسط کاوش‌های بعدی تحت نظر رایت و دور کاوش شده بود. این دروازه نیز یک دروازه شش اتاقه بود، مشابه و تقریباً با همان ابعاد دروازه هازور. علاوه بر این، دانشگاه شیکاگو دروازه شش اتاقه دیگری را در مجدو، آن شهر سوم که توسط سلیمان مستحکم شده بود، با همان ابعاد کاوش کرد.

در اینجا چند نمونه بازسازی شده از آنها آورده شده است. این شکلی بودند. و بنابراین، شما یک معمار واحد را دارید که روی هر سه سایت کار می‌کند.

واضح است، و البته، با توجه به سفالگری، به زمان سلیمان مربوط می‌شود، واضح است که شما در اینجا در جازر، حاصور و مجدو، دروازه‌های سلیمانی را دارید. و این هم دوباره دروازه‌بان‌انطور که بازسازی شده به نظر می‌رسد. متن در کتاب پادشاهان اول از تدمر در بیابان یاد می‌کند.

این می‌تواند پالمیرا در صحرای سوریه باشد، اما به احتمال زیاد تمار در آراوه است. و تمار، مطمئناً، دارای یک استحکامات و دروازه‌ای است که قدمت آن به قرن دهم میلادی برمی‌گردد، و سپس یک دروازه جدیدتر سال بعد روی آن ساخته شده است. و این هنوز در حال انجام است، کاوش شده و هنوز هم در حال ۱۵۰ نگارش برای انتشار است، همانطور که ما صحبت می‌کنیم.

اما قطعاً یک مجموعه مستحکم از زمان سلیمان در آنجا وجود دارد. چرا این مهم است؟ همه این شهرها از نظر استراتژیک مهم هستند. مجدو دره جزریل، ورودی‌های جنوبی دره جزریل را پوشش می‌دهد و از داخل اسرائیل در برابر تهاجم احتمالی دریایی از عکو محافظت می‌کند.

حاصور از اسرائیل در شمال محافظت می‌کند. این شهر درست در بزرگراه ساحلی که به دمشق می‌رود واقع شده است، بنابراین از اسرائیل در شمال محافظت می‌کند. جازر دوباره از اسرائیل در غرب، از دره آیلون، و از مسیرهای منتهی به اورشلیم محافظت می‌کند.

تامار از اسرائیل از جنوب و شرق محافظت می‌کند. بنابراین، همه اینها نقش استراتژیک مهمی در دفاع از پادشاهی ایفا می‌کنند. اکنون، در کنار آن دروازه‌ها، سلیمان و پادشاهان پس از او انبارها و برخی معتقدند اصطبل‌هایی را در این شهرهای انبار ساختند تا احتمالاً مالیات سلطنتی را به شکل مواد غذایی و تدارکات برای ارتش ذخیره کنند.

این یک انبار بازسازی‌شده در مگیدو است و می‌توانید آخورهایی برای الاغ‌ها یا اسب‌ها ببینید. باز هم، بحث طولانی‌ای وجود داشته است که آیا اینها اصطبل بوده‌اند یا انبار، و احتمالاً در دوره‌های زمانی مختلف برای چیزهای مختلف استفاده می‌شده‌اند. گاهی اوقات، شاید، آنها به عنوان اصطبل عمل می‌کردند، اما به احتمال زیاد، انبار بوده‌اند.

برخی از این‌ها با کوزه‌های شفاف و کوزه‌های انبار پیدا شده‌اند، و قطعاً برای انبارها نیستند، وسایلی برای انبارها هستند، نه برای اصطبل. و این همانی است که در حاصور بازسازی شده است، دوباره دو نما از آنی که در مجدو است. سلیمان همچنین با ملکه سبا رابطه داشت و این یک رابطه اقتصادی بود.

البته، فیلم‌ها این را به یک رابطه عاشقانه تبدیل می‌کنند، که ممکن است اتفاق افتاده باشد یا نه. اما سبا یک پادشاهی در جنوب عربستان در یمن، سبا باستان بود، و شما می‌توانید برخی از مناطق و شهرهای یمن امروزی را ببینید. و اخیراً کتیبه‌ای از قرن هشتم پیدا شده است که به تجارت بین پادشاهی سبا و یهودا اشاره می‌کند.

و بنابراین، ملکه سبا، شاید به زیبایی این بازیگر زن که او را به تصویر می‌کشد، نبود، اما او برای تجارت با سلیمان و یادگیری حکمت او و صحبت با او و یادگیری از او آمد. اما این احتمالاً پوششی برای روابط تجاری بود. خب، شهرهای اوفیر و ترشیش، اینها مقاصد ناوگان سلیمان بودند، ناوگان سلیمان با ملوانان حیرام صور

، اینها کجا بودند؟ باز هم، ما به طور قطعی مطمئن نیستیم. مکان‌هایی به دوردست‌هایی مانند اسپانیا، هند، موزامبیک و آفریقا پیشنهاد شده‌اند. اما کشتی‌های سلیمان در دریای سرخ، قطعاً تا اعماق عربستان و شاید اطراف شاخ آفریقا و بنادر دورتر، تردد می‌کردند.

ترشیش ممکن است در اسپانیا باشد، یا ممکن است طرسوس باشد، همانطور که در عهد جدید در زادگاه شائول یا پولس بوده است؛ ما نمی‌دانیم. اما می‌دانیم که این کتیبه پیدا شده است که به اوفیر نیز اشاره دارد. بنابراین یک سوال تاریخی جالب که هنوز نیاز به پاسخ دارد.

خب، برای خلاصه کردن، ما در مورد محل اتریون جابر، شاید جزیره مرجانی یا جزیره فرعون در دریای سرخ صحبت کردیم. و سپس خربت عن النحاس، معادن مس سلیمان در عروه. این دروازه آن قلعه در آن محل است.

و این عکسی از تام لوی است و دوباره ویدیویی که در مورد کارش در خربت النحاس و عروه ساخته شده است وادی فینان، جایی که این عملیات مس، عملیات استخراج مس انجام شد. علاوه بر این، امین مزار محل تل. رهوف، شهر باستانی رهوف در دره بیت شان، نزدیک بیت شان، جنوب بیت شان را کاوش کرده و یک کندوی زنبور عسل عظیم پیدا کرده است که در آنجا عملیات زنبورداری در حال انجام بوده است.

حالا، چرا این مهم است؟ آیا آنها عسل درست می‌کردند؟ نه، این برای تولید موم، موم زنبور عسل است. از موم زنبور عسل برای قالب‌گیری اشیاء مسی استفاده می‌شد. بنابراین، در بخش شمالی پادشاهی اسرائیل، این

عملیات عظیم ساخت موم زنبور عسل را دارید، در حالی که در جنوب اسرائیل، در آراوه، در اودم، عملیات معدنی گسترده‌ای دارید.

چه پادشاهی درست بین این دو قرار دارد یا این دو را در بر می‌گیرد؟ پادشاهی اسرائیل در قرن دهم تحت حکومت سلیمان. بنابراین شما پازل را کنار هم قرار می‌دهید و به وضوح یک عملیات بزرگ از یک پادشاهی بزرگ را می‌بینید. و سپس به محل تل الخلیفه برمی‌گردیم.

باز هم، سلیمان، بندر سلیمان دوباره، احتمالاً جزیره مرجانی بود، اما این قلعه دیگر درست نزدیک ساحل خلیج ایلات، که توسط نلسون گلوک در دهه ۱۹۳۰ کاوش شد، نیز شایسته ذکر است. حدس من، احتمالاً ایلات کتاب مقدس بوده است. از آنجایی که اتریون گبر در نزدیکی ایلات است، همانطور که متن اشاره می‌کند، این ایلات بود و جزیره مرجانی اتریون گبر بود.

بنابراین، باز هم، نلسون گلوک تا حدودی درست می‌گفت، اما او در مورد نحوه استفاده از قلعه و نام آن اشتباهاتی مرتکب شد. اما باز هم، بحثی مداوم در مورد اینکه دقیقاً چه اتفاقی در اینجا افتاده است، وجود دارد. و کار او توسط گری پرکتیکو، که یافته‌های گلوک از تل الخلیفه را حدود 30 سال پیش منتشر کرد، دوباره ارزیابی شد.

و آن را با تصویر دیگری از جزیره مرجانی به پایان می‌رسانیم و کشتی‌های سلیمان را در حال ترک آن بندر، به سمت مقاصد عجیب و غریب برای تهیه کالاهای تجاری برای پادشاهی، تصور می‌کنیم. بسیار خوب، و آخرین اشاره، گروهی از سکونتگاه‌ها است. ما قبلاً وقتی در مورد جغرافیای کتاب مقدس صحبت می‌کردیم، به این موضوع اشاره کردیم.

IIa آهن، ارتفاعات نقب، در جنوب بخش جنوبی اسرائیل، مجموعه‌ای کامل از سایت‌های آهن سایت‌های مستحکم و سایت‌های دیوارکشی شده را در خود جای داده است. و این شکلی هستند. برخی از آنها بیضی شکل هستند.

به دیوارهای کازیمات اینجا توجه کنید. بعضی از آنها مربع شکل هستند. سبک‌های مختلفی از قلعه‌ها، اما به نظر می‌رسد که همه آنها مربوط به قرن یازدهم یا دهم میلادی هستند.

آنها چه هستند؟ آیا ممکن است نوعی گروه کشاورزی از سکونتگاه‌های کشاورزی، سکونتگاه‌های مستحکمی باشند که سلیمان در این منطقه تأسیس کرد، حداقل برای تسلط بر این منطقه خشک، یا شاید برای تلاش برای کشت محصولات کشاورزی و مفید کردن آن؟ ما نمی‌دانیم. و تعیین تاریخ برخی از اینها دشوار است. برخی ممکن است پیش از سلیمان و داوود باشند.

مطمئناً، آنها مربوط به دوران پس از او نیستند. اما آیا آنها اسرائیلی بودند یا نهاد دیگری، گروه دیگری از مردم؟ و این سوال دیگری است که هنوز به طور قطعی پاسخ داده نشده است. خوب، و در نهایت، سرزمین کابل.

ما قبلاً صحنه‌هایی از این را دیده‌ایم: زمینی که سلیمان در ازای خدماتش به پادشاه هیرام معامله کرد. و این البته ویرانه‌های روش زایت، یکی دیگر از قلعه‌های قرن دهم است.

آیا فنیقی است یا اسرائیلی؟ سوالی که باز هم بی‌پاسخ می‌ماند. بنابراین، این بار دیگر سلطنت سلیمان و داوود را به پایان می‌رساند. و اکنون به سلطنت تقسیم‌شده در آینده نگاه می‌کنیم.

متشکرم.

،من دکتر جفری هادون هستم و در حال تدریس در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۱۷ باستان‌شناسی و سلیمان است.